

**The conceptual metaphor of "Unbelief" and "Faith" in the Holy Qur'an**

Doi:10.22067/jallv15.i2.2202-1112

Ataullah Riki Kuteh¹PhD Candidate in Arabic Language and Literature, Ferdowsi University of Mashhad,
Mashhad, IranBahar Seddighi¹Assistant Professor in Arabic Language and Literature, Ferdowsi University of Mashhad,
Mashhad, Iran

Received: 22 March 2023 | Received in revised form: 10 June 2023 | Accepted: 22 August 2023

Abstract

Conceptual metaphor is a new tool in cognitive science that focuses on human cognition to conceptualize abstract and non-objective concepts. In this method, abstract and unfamiliar concepts (destination domains) are understood through other concrete and tangible conceptual domains (source domains). The main challenge in conceptual metaphor is establishing systematic correspondences between the two domains of source and destination, known as mapping. The Holy Qur'an is replete with abstract concepts such as "Unbelief" and "Faith". To better understand these concepts, it is necessary to use new methods of analyzing concepts, especially conceptual metaphors. The present study used an analytical-descriptive method to identify and analyze conceptual metaphors related to the concepts of "Unbelief" and "Faith" in the verses of blessing in the last six components of the Holy Qur'an, in order to reveal how abstract concepts are expressed. By analyzing the conceptual metaphors in this part of the Holy Qur'an, it can be concluded that the cognitive status of human beings forms the basis for expressing the concepts of Unbelief and Faith. The concept of "Unbelief" as the destination domain is conceptualized by familiar concepts such as darkness, uncleanness, blindness, battle, and resistance to Faith. On the other hand, concepts such as light, cleanliness, trade, travel, competition, and the right path are used to conceptualize "Faith". Through these metaphors, faith can be seen as light, cleanliness, trade, travel, competition, and valuable objects found on the right path; while unbelief is depicted as darkness, uncleanness, blindness, battle against faith.

Keywords: Cognitive Semantics, Conceptual Metaphor, Verses of the Holy Qur'an, Faith, Unbelief.

¹- Corresponding Author. Email: seddighi@um.ac.ir

زبان و ادبیات عربی، دوره پانزدهم، شماره ۲ (پیاپی ۳۳) تابستان ۱۴۰۲، صص: ۴۰-۲۳

استعاره مفهومی «کفر» و «ایمان» در قرآن کریم



(پژوهشی)



عطاءاله ریگی کومه^۱ (دانشجوی دکتری زبان و ادبیات عربی، دانشگاه فردوسی مشهد، ایران)
بهار صدیقی^۱ (استادیار گروه زبان و ادبیات عربی، دانشگاه فردوسی مشهد، ایران، نویسنده مسئول)^۱

Doi:10.22067/jallv15.i2.2202-1112

چکیده

استعاره مفهومی ابزاری نو از علوم شناختی است که با تکیه بر وضعیت شناختی انسان به مفهوم‌سازی مفاهیم انتزاعی و غیرعینی می‌پردازد. در این شیوه درک مفاهیم انتزاعی و ناآشنا (حوزه مقصد) به وسیله‌ی حوزه‌های مفهومی عینی و ملموس دیگر (حوزه مبدأ) صورت می‌گیرد. مهم‌ترین مسئله در استعاره مفهومی وجود تناظرهایی نظام‌مند میان دو حوزه‌ی مبدأ و مقصد است که از آن به‌عنوان نگاشت یاد می‌شود. قرآن کریم سرشار از مفاهیم انتزاعی همانند «کفر» و «ایمان» است که به‌منظور درک بهتر آن‌ها ضرورت دارد تا از شیوه‌های نوین تحلیل مفاهیم، به‌ویژه از استعاره مفهومی در تحلیل این مفاهیم و شیوه مفهوم‌سازی‌شان استفاده کرد. پژوهش حاضر بر مبنای روش تحلیلی-توصیفی به هدف شناسایی و تحلیل استعاره‌های مفهومی متعلق به مفاهیم «کفر» و «ایمان» در آیات مبارکه شش جزء آخر قرآن کریم انجام شده است تا شیوه بیان مفاهیم انتزاعی توسط قرآن کریم آشکار گردد. با تحلیل استعاره‌های مفهومی در این بخش از قرآن کریم می‌توان به این نتیجه رسید که قرآن کریم با بیان مفاهیم انتزاعی به شیوه استعاره مفهومی وضعیت شناختی انسان را مبنایی برای بیان مفاهیم کفر و ایمان قرار داده است و از آن در راستای مفهوم‌سازی استفاده کرده است. مفهوم «کفر» به‌عنوان حوزه مقصد با مفاهیمی شناخته شده همچون تاریکی، آلودگی، روی‌گردانی، جنگ، نیروی بازدارنده از ایمان و عدم کارایی حواس مفهوم‌سازی شده است و مفاهیمی همچون نور، پاکیزگی، تجارت، سفر، مسابقه و جهت راست به مفهوم‌سازی «ایمان» می‌پردازند. با تحلیل این استعاره‌ها می‌توان ایمان را به منزله نور، پاکیزگی، تجارت، سفر، مسابقه و شیء باارزشی که در جهت راست قرار دارد معرفی نمود و کفر را به‌منزله تاریکی، آلودگی، روی‌گردانی، جنگ و نیروی بازدارنده از ایمان در نظر گرفت.

کلیدواژه‌ها: معناشناسی شناختی، استعاره مفهومی، آیات قرآن کریم، ایمان، کفر.

۱. مقدمه

با پیدایش و گسترش مباحث علوم شناختی که به ظهور زبان‌شناسی شناختی و معناشناسی شناختی منجر گردید با شیوه نوینی از خوانش یک متن روبه‌رو هستیم. شیوه‌ای که شناخت و روش‌های شناخت انسان را مبنای مطالعه‌ی خود قرار می‌دهد و به ابزارهای شناخت از قبیل ذهن، زبان و معنا و رابطه‌ی آن‌ها با یکدیگر می‌پردازد. در این شیوه مفاهیم را به دو دسته‌ی عینی و انتزاعی تقسیم می‌کنند. مفاهیم عینی همان مفاهیم حسی و شناخته شده‌ای همچون بدن انسان، نیرو، حجم، حرکت، سفر و غیره هستند که انسان شناخت خوبی از آن‌ها دارد؛ اما مفاهیم انتزاعی همان مفاهیم کمتر شناخته شده و غیرمحسوسی همچون زندگی، آخرت، سعادت، ایمان، کفر، بهشت، دوزخ و غیره هستند که برای ذهن ناآشنا و ناملموس هستند.

استعاره مفهومی^۱ که استعاره جدید نیز نام دارد، ساز و کاری ذهنی برای تبیین مفاهیم انتزاعی است. در استعاره مفهومی یک حوزه مفهومی توسط حوزه مفهومی دیگر که معمولاً شناخته شده و آشنا است درک می‌شود. با پیشرفت مبانی علوم شناختی استعاره و مجاز معنا و مفهومی جدید پیدا کردند و نگرشی نوین در نحوه‌ی کارکرد ذهن انسان به وجود آمد که برحسب آن استعاره و مجاز از اساسی‌ترین ارکان تفکر انسان شمرده شدند، زیرا در استدلال و شیوه تفکر انسان نقشی حیاتی دارند. امروزه تعداد قابل توجهی از دانشمندان شناختی از جمله زبان‌شناسان شناختی مشغول تحقیق در حوزه استعاره هستند؛ چراکه نقش استعاره در تفکر و استدلال بشر و همچنین در ایجاد واقعیت‌های فرهنگی، اجتماعی و روان‌شناختی ما بسیار برجسته و مهم است؛ بنابراین تلاش برای درک استعاره به معنای تلاش برای فهمیدن این مقوله حیاتی است که ما چه کسی هستیم و کجا زندگی می‌کنیم؟ (کوچش، ۲۰۰۲: ۵). کاربرد استعاره مفهومی در گفتمان‌های مذهبی از بسامد بالایی برخوردار است؛ زیرا این نوع گفتمان‌ها دارای مفاهیم انتزاعی بی‌شماری هستند که برای تشریح آن باید از حوزه‌های شناختی کمک گرفت (صباحی، ۱۳۹۵: ۸۶). قرآن کریم نیز که سرچشمه هدایت و منبع فیضان وحی الهی و گفتمان دینی و مذهبی به شمار می‌آید، سرشار از مفاهیم انتزاعی است که برای پی بردن به معنا و درک عمیق آن نیازمند بررسی نظریه جدید استعاره مفهومی در آن هستیم.

این پژوهش بر مبنای کاربرد استعاره مفهومی مطابق با اصول معناشناسی شناختی ابتدا و پس از بیان مقدمه‌ی پژوهش به اساسی‌ترین مباحث نظری مربوط به دیدگاه استعاره مفهومی از قبیل استعاره کلاسیک، استعاره مفهومی، حوزه مبدأ، حوزه مقصد، نگاشت، کلان استعاره و انواع استعاره مفهومی می‌پردازد. سپس در بخش بحث و بررسی با استخراج تمامی آیاتی که در شش جزء آخر قرآن کریم وظیفه مفهوم‌سازی دو مفهوم «ایمان» و «کفر» را طبق نظریه‌ی استعاره مفهومی برعهده دارند، به تعیین حوزه مبدأ و مقصد و بیان استعاره‌های مفهومی آن اقدام می‌کند. تحلیل نگاشت میان دو حوزه مفهومی و نشان‌دهی کلان استعاره از جمله مواردی هستند که در بخش سوم این پژوهش به آن پرداخته می‌شود.

۱.۱. پرسش‌های بنیادین

این پژوهش در پی یافتن پاسخی مناسب برای پرسش‌های ذیل است:

۱. قرآن کریم مفاهیم انتزاعی همچون کفر و ایمان را چگونه بیان می‌کند؟

۲. حوزه‌های مبدایی که مسئولیت مفهوم‌سازی ایمان و کفر در شش جزء آخر قرآن کریم را بر عهده دارند، کدامند؟

۲.۱. فرضیه‌های پژوهش

۱) قرآن کریم وضعیت شناختی انسان را معیار بیان مفاهیم انتزاعی قرار می‌دهد و با استفاده از اصول معناشناسی شناختی^۲ و به ویژه استعاره مفهومی که بر مبنای وضعیت شناختی انسان عمل می‌کند و توجه‌ای ویژه به معنا و شیوه مفهوم‌سازی دارد، مفاهیم انتزاعی همچون کفر و ایمان را در کنار مفاهیم عینی و ملموس بیان می‌کند تا درک درستی از آن‌ها صورت گیرد.

۲) مفاهیمی عینی همچون نور، تاریکی، پاکیزگی، آلودگی، روی‌گردانی، سفر و تجارت به عنوان حوزه مبدأ در راستای مفهوم‌سازی ایمان و کفر در شش جزء آخر قرآن کریم نقشی اساسی را بر عهده دارند.

۳.۱. پیشینه‌ی پژوهش

پیرامون موضوع بررسی مفاهیم کفر و ایمان و نیز استعاره مفهومی در قرآن کریم پژوهش‌هایی چند به نگارش درآمده است که مهم‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از:

خودروان، حسن (۱۳۸۰) در پژوهش خود با عنوان «بررسی معناشناختی واژه کفر در قرآن کریم» به مفهوم کفر و ارتباط آن با مفاهیم همسان و متضاد می‌پردازد. این تحقیق به شیوه مفهوم‌سازی کفر هیچ اشاره‌ای ندارد.

یگانه، فاطمه و افراشی، آزیتا (۱۳۹۵) در مقاله‌ی «استعاره‌های جهتی در قرآن با رویکرد شناختی» تنها به بررسی مفاهیم انتزاعی که با جهت‌های بالا، پایین، مرکزی، جلو، عقب، راست و چپ مفهوم‌سازی شده‌اند می‌پردازند. رحمانی، اکبر (۱۳۹۵) در پایان‌نامه‌ی «بررسی بلاغی وجوه کفر و ایمان در قرآن» به وجوه بلاغی این دو مفهوم در قرآن کریم بدون اشاره به مفهوم‌سازی آن‌ها می‌پردازند.

کریمی، مریم (۱۴۰۰) در مقاله «کارکرد استعاره‌های شناختی مفهوم «دل» در دیدگاه سنایی» به کاربرد استعاره مفهومی در اشعار سنایی می‌پردازد. در این مقاله به مفهوم انتزاعی دل و چگونگی مفهوم‌سازی آن در اشعار سنایی مطابق با اصول معناشناسی شناختی به‌ویژه استعاره مفهومی پرداخته می‌شود.

فتحی ایرانی‌شاهی، طیبه و دیگران (۱۴۰۰) در مقاله «مفهوم‌سازی احساسات براساس طرحواره‌های تصویری در رمان (مسری الغرائق فی مدن العقیق)» به مفهوم‌سازی احساسات مطابق با نظریه‌های معناشناسی شناختی می‌پردازند. آن‌ها طرحواره‌های تصویری که به‌عنوان نکته آغازین بحث استعاره مفهومی محسوب می‌شوند را در این رمان بررسی می‌کنند.

تفاوت پژوهش پیش‌رو با دیگر پژوهش‌های مربوط به این موضوع در این است که نگارندگان این پژوهش کوشیده‌اند تا بر مبنای روش تحلیلی-توصیفی مفاهیم انتزاعی ایمان و کفر و شیوه مفهوم‌سازی‌شان را براساس نگاه معناشناسی شناختی و به ویژه استعاره مفهومی مورد توجه قرار داده و ضمن استخراج استعاره‌های مفهومی ایمان و کفر، نگاشت‌های میان دو حوزه مفهومی را مورد تحلیل و بررسی قرار دهند که این مساله در هیچ‌یک از پژوهش‌های پیشین مورد توجه قرار نگرفته است. از این رو ضرورت دارد تا این مفاهیم پرکاربرد قرآنی با روش نوین

استعاره مفهومی مورد تحلیل و بررسی قرار گیرند تا جنبه‌هایی نو و زیبا از کلام الهی و مقدار کارایی و نمود نظریه‌ی معناشناسی شناختی و به‌ویژه استعاره مفهومی در قرآن کریم آشکار گردد.

۲. مبانی نظری پژوهش

۱.۲. مفهوم شناسی استعاره

استعاره به معنای رد و بدل شدن چیزی میان دو شخص به صورت امانت است (ابن منظور، ۱۳۶۳، ج ۴: ۶۱۸). صفی‌پور می‌گوید: «به عاریت خواستن چیزی را استعاره می‌نامند». استعاره از نگاه کلاسیک به معنای استفاده از یک واژه به جای واژه‌ای دیگر به خاطر شباهت میانشان است و کاملاً در حیطه زبانی محدود است. ابن اثیر استعاره را همان وام‌گیری می‌داند که در میان مردم رایج است. او معتقد است که مردم تنها در صورتی از یکدیگر امانت می‌گیرند و به یکدیگر امانت می‌دهند که در میان‌شان شناخت و آشنایی باشد (ابن اثیر، ۱۹۷۳: ۷۷).

دو رویکرد سنتی در نگاه به استعاره وجود دارد. در رویکرد اول که به ارسطو نسبت دارد، استعاره ابزاری برای تزیین سخن است و در رویکرد دوم استعاره نقشی رمانتیک دارد و در ایجاد صور و خیال ذهنی توسط عبارات‌های زبانی فعال می‌باشد.

ارسطو از نخستین فیلسوفانی است که نگاهش به استعاره، مبنای مطالعه‌ی استعاره در غرب قرار گرفت (لحویدق، ۲۰۱۵: ۹). او در کتاب «فن شعر» استعاره را با نام مجاز این‌گونه تعریف می‌کند «مجاز آن است که اسم یک شیء را بر شیء دیگر انتقال دهند و این انتقال بر چهار نوع است؛ انتقال از جنس به نوع، یا انتقال از نوع به نوع و یا انتقال به حسب تمثیل است» (ارسطو، ۱۳۴۳: ۹۰). از نگاه ارسطو وظیفه عبارت‌ها و کلمات، بیان معنا و عرضه نمودن آن است و استعاره نقش زیباسازی و تأثیرگذاری بیشتر بیان را برعهده دارد (فائزی، ۲۰۱۶: ۱۰۳). در ادبیات کلاسیک نگاه به استعاره از معنای لغوی آن یعنی به عاریت گرفتن متأثر است.

برای استعاره کلاسیک می‌توان پنج رکن اصلی را متصور شد: ۱- استعاره به واژه‌ها ارتباط دارد و به اندیشه ربطی ندارد. ۲- استعاره بی‌آنکه در زبان قراردادی متعارف نمود پیدا کند در شعر و عبارت‌های بلیغ و فصیح جهت اقناع مخاطب یافت می‌شود. ۳- زبان استعاری زبانی انحرافی است که در آن واژه‌ها در معنای اصلی خود کاربرد ندارند بلکه در معنای دیگری به کار می‌روند. ۴- عبارت‌های استعاری در زبان معمولی روزمره استعاره‌های مرده محسوب می‌شوند. ۵- استعاره به دنبال کشف وجوه شباهت میان واژگان است (داوری، ۱۳۹۳: ۳۸).

با گسترش مباحث علوم شناختی و به‌ویژه معناشناسی شناختی در نگاه به استعاره تحولی شگرف ایجاد شد. علوم شناختی از ادغام و هم‌افزایی رشته‌هایی مختلف همانند فلسفه‌ی ذهن، روان‌شناسی شناختی، زبان‌شناسی شناختی، هوش مصنوعی، علوم اعصاب و انسان‌شناختی تشکیل گردید که به مطالعه‌ی علمی ذهن و کارکردهای آن و فرایند شناخت در انسان و سایر موجودات می‌پردازد (زناد، ۲۰۰۹: ۱۵). این علوم در واقع همانند علوم دیگر دارای چارچوبی مشخص و قطعی نیست؛ بلکه شامل مجموعه‌ای از روش‌ها و رویکردها است که عبارت رویکرد شناختی برای آن به کار می‌رود (افراشی، ۱۳۹۷: ۲۷۷). لیکاف و جانسون استعاره را راهی برای اندیشیدن می‌دانند که نه تنها در حیطه زبان، بلکه در حیطه اندیشه و عمل در سراسر زندگی روزمره‌ی انسان وجود دارد. از این‌رو آنان معتقدند که نظام مفهومی ما دارای ماهیتی استعاری است (لیکاف و جانسون، ۱۹۸۰: ۲۴۴).

۲.۲. استعاره مفهومی

یکی از موضوعات مهم معناشناسی شناختی «استعاره مفهومی» است که استعاره را از محدوده زبانی خارج می‌کند و آن را به نگرش انسان و نحوه‌ی اندیشیدن او پیوند می‌دهد. در این رویکرد استعاره دیگر مختص زبان ادبی نیست؛ بلکه وظیفه آن بیان مفاهیم انتزاعی در قالب مفاهیم ملموس و آشنا است و در زبان روزمره‌ی بشر کاربردی فراوان دارد (یوسفی‌راد، ۱۳۸۲: ۱۵). استعاره مفهومی نوعی مفهوم‌سازی است که با عملیات ذهنی شکل می‌گیرد (قائم‌نیا، ۱۳۹۰: ۶۸). برخی آن را ادراک و تجربه یک‌چیز برحسب چیز دیگر بیان نموده‌اند (قاسم‌زاده، ۱۳۷۹: ۹). دیدگاه جدید استعاره با نگارش کتابی با عنوان «استعاره‌هایی که با آن‌ها زندگی می‌کنیم» توسط جورج لیکاف^۳ و مارک جانسون^۴ در سال ۱۹۸۰ میلادی مطرح شد و مورد توجه دانشمندان قرار گرفت. مطابق با این نظریه استعاره از ویژگی‌های اساسی ذهن به شمار می‌رود که در آن درک مفاهیم انتزاعی از طریق مفاهیم ملموس صورت می‌گیرد (Grady, 2007: 187).

لیکاف و جانسون با دلایل پنج‌گانه استعاره کلاسیک را به چالش کشیدند: ۱- استعاره از ویژگی‌های مفاهیم است؛ نه کلمات. ۲- استعاره مبنایی برای درک بهتر مفاهیم است؛ نه این‌که فقط برای آفرینش زیبایی باشد. ۳- بنیان استعاره بر تشبیه نیست؛ بلکه ریشه در تجربه انسان در زندگی روزمره دارد. ۴- استعاره در سراسر زندگی روزمره انسان حضوری فعال دارد؛ زیرا نظام مفهومی ما که دارای مفاهیمی پایدار و عمیق است به وسیله استعاره مفهومی درک می‌شود. از این‌رو استعاره به افرادی خاص ارتباط ندارد. ۵- استعاره فرایندی برای استدلال و تفکر انسان است (لیکاف و جانسون، ۱۹۸۰: ۲۴۵)؛ البته این مایکل ردی بود که برای اولین بار در سال ۱۹۷۹ میلادی استعاره را مربوط به ذهن دانست و آن را از حیطة زبانی خارج نمود (افراشی، ۱۳۹۵: ۶۷)؛ اما لیکاف و جانسون این نگاه به استعاره را با بسط و تفصیل ارئه دادند.

از نگاه لیکاف مهم‌ترین ویژگی استعاره، مفهومی بودن آن و حضور فعالش در تفکر و اندیشه و زندگی روزمره‌ی ما است (لیکاف، ۲۰۰۹: ۲۱). لیکاف در تشریح حضور فعال استعاره در زندگی روزمره از مثال «مباحثه جنگ است» استفاده می‌کند و به این نکته اشاره می‌کند که در زندگی روزمره وقتی شخصی می‌گوید: «نمی‌توانی از دلایلت دفاع کنی؟» «هیچ‌وقت در مباحثه با او پیروز نشدم» این‌ها از وجود استعاره در زندگی روزمره ما حکایت دارد که انسان «مباحثه» را «جنگ» می‌پندارد و تمامی حالت‌های ویژه‌ی جنگ همانند پیروزی، شکست، حمله، دفاع و غیره را برای آن به کار می‌برد (همان: ۲۲). در این استعاره ما با کمک واژگان مربوط به حوزه «جنگ» مفهوم انتزاعی «مباحثه» را به‌خوبی درک می‌کنیم.

۳.۲. حوزه‌های مبدأ و مقصد

استعاره مفهومی معمولاً از دو و یا چند حوزه مفهومی تشکیل می‌شود که در آن یک حوزه مفهومی در قالب حوزه مفهومی دیگری درک می‌شود (کوچش، ۲۰۰۲: ۱۵). حوزه مقصد مفهومی انتزاعی و کمتر شناخته‌شده است که ما سعی می‌کنیم با کاربرد حوزه مبدأ که عینی‌تر و ملموس‌تر است آن را درک کنیم (راسخ‌مهند، ۱۳۹۳: ۶۳).

برخی از مهم‌ترین مفاهیم حوزه مبدأ که به‌عنوان مفاهیم پایه برای درک حوزه مقصد به کار می‌روند عبارت‌اند از: بدن انسان، سلامتی، بیماری، حیوانات، گیاهان، ساختمان، دستگاه‌ها و ابزارها، تجارت، پول، نیرو و قدرت، حرکت و جهت، روشنایی و تاریکی (کوچش، ۲۰۰۲: ۲۴-۱۶).

۴.۲. نگاشت یا انطباق

از اساسی‌ترین مسائل مطرح‌شده در نظریه‌ی استعاره مفهومی مسئله نگاشت^۵ است. استعاره مفهومی بر اساس نگاشت‌های سازمان‌یافته از حوزه مبدأ به حوزه مقصد است؛ یعنی درک یک حوزه مفهومی با استفاده از حوزه مفهومی دیگر، مستلزم وجود مجموعه‌ای از تناظرهای نظام‌مند میان حوزه مبدأ و مقصد است که در زبان فنی به آن انطباق یا نگاشت می‌گویند (لیکاف، ۱۹۹۳: ۱۸۶).

نگاشت همواره از حوزه مبدأ به حوزه مقصد صورت می‌گیرد. منظور از نگاشت تطبیق دادن ویژگی‌های دو حوزه مفهومی است که در قالب یک استعاره به هم نزدیک شده‌اند (راسخ مهند، ۱۳۹۳: ۵۶). نگاشت عاملی است که مدیریت سیستم توجه انسان را بر عهده دارد و با ایجاد فضاهای ذهنی در نظام ساختاری استعاره دو مفهوم را به هم پیوند می‌دهد (ایوانز، ۲۰۰۷: ۱۳۰). در این مقاله نگاشت‌های میان دو حوزه مفهومی مورد تحلیل و بررسی قرار خواهند گرفت.

۵.۲. کلان‌استعاره

کوچش با طرح کلان‌استعاره معتقد است آنچه از استعاره‌ها که در متن وجود دارند و دیده می‌شوند، خرده استعاره‌هایی هستند که در پس آن‌ها کلان‌استعاره‌هایی نهفته است که استعاره‌های خرد را سامان می‌بخشند (کوچش، ۲۰۰۲: ۵۱). هر کلان‌استعاره، استعاره‌های خرد فراوانی را در دل خود جای داده است که می‌توان آن‌ها را کشف نمود. در این مقاله ما با چند نمونه از این کلان‌استعاره‌ها که باعث ایجاد خرده استعاره‌ها می‌شوند، روبه‌رو می‌شویم که در بخش تحلیل داده‌ها به آن‌ها خواهیم پرداخت.

۳. انواع استعاره‌های مفهومی

براساس دیدگاه لیکاف و جانسون استعاره‌های مفهومی بر مبنای نقش شناختی‌شان به سه گروه ساختاری، هستی‌شناختی و جهتی تقسیم می‌شوند. در واقع همه استعاره‌ها از آن جهت که ساختار یک مفهوم را بر مفهومی دیگر نگاشت می‌کنند، ساختاری هستند و از این جهت که حاوی مفهوم موجود یا شیء هستند، هستی‌شناختی‌اند و بسیاری نیز جهتی هستند (نویدباغی، ۱۳۹۸: ۲۶).

۱.۳. استعاره‌های ساختاری^۶

در این نوع استعاره‌ها ساختار حوزه مبدأ را بر حوزه مقصد تطبیق می‌دهند و بدین طریق گویندگان را قادر می‌سازند تا از یک مفهوم تعریف‌شده و مشخص برای ساختاردهی یک مفهوم دیگر استفاده کنند تا درک بهتری از آن به دست بیاورند (لیکاف و جانسون، ۱۹۸۰: ۴) در استعاره «مباحثه جنگ است» ساختار حوزه «جنگ» بر مفهوم «مباحثه» سایه افکنده است و ما با استفاده از انطباق‌های مفهومی همانند دفاع، حمله، پیروزی و یا شکست می‌توانیم مفهوم مباحثه را به‌خوبی درک کنیم. این نوع استعاره را می‌توان منظم‌ترین و دقیق‌ترین استعاره مفهومی دانست؛ زیرا

ساختار دقیق و کاملی را برای مفاهیم انتزاعی فراهم می‌کنند (کوچش، ۱۳۹۸: ۶۲). بیشترین نوع استعاره مفهومی به کار رفته در مفهوم‌سازی ایمان و کفر همین نوع استعاره می‌باشد.

۲.۳. استعاره‌های هستی‌شناختی^۷

این نوع استعاره‌ها به ما کمک می‌کنند تا حوزه‌های ناشناخته و مبهم را به وسیله ارتباط دادن با یک شیء شناخته‌شده بهتر بشناسیم. به‌عنوان مثال حقیقت ذهن برای ما ناشناخته است لذا آن را به‌مثابه یک شیء در نظر می‌گیریم و می‌گوییم «ذهن شیء است». تجربیات ما از پدیده‌ها و اشیایی که در پیرامون ما قرار دارند باعث شکل‌گیری بسیاری از استعاره‌های هستی‌شناختی می‌گردند (لیکاف و جانسون، ۱۹۸۰: ۲۵). به‌طورکلی ما تجربه‌های مان را در قالب اشیا، ظروف و اجسام درک می‌کنیم بدون این‌که کاملاً بدانیم منظورمان چه نوع شیء، ظرف و یا جسمی است. این نوع درک از مفاهیم انتزاعی را استعاره هستی‌شناختی می‌نامند (کوچش، ۱۳۹۸: ۶۵).

۳.۳. استعاره‌های جهتی^۸

در این قبیل استعاره‌ها بیشتر با جهت‌هایی اصلی همانند بالا، پایین، چپ، راست و نظیر آن سروکار داریم (لیکاف و جانسون، ۱۹۸۰: ۱۴). طرح‌واره‌های جهتی که در ایجاد استعاره‌های ساختاری نقش دارند براساس قرارگیری بدن در یک محیطی خاص که دارای جهت‌های فیزیکی است شکل می‌گیرند (حاجی رجبی و دیگران، ۱۳۹۹: ۲۰). مفاهیم زیر با این نوع استعاره مفهوم‌سازی شده‌اند: «بیشتر بالا است، کمتر پایین است»، «سلامتی بالا است، بیماری پایین است»، «شادی بالا است، غم پایین است».

با پژوهش در شش جزء آخر قرآن کریم می‌توان دریافت که نقش استعاره ساختاری در مفهوم‌سازی کفر و ایمان بسیار بیشتر از دو نوع دیگر استعاره مفهومی است.

۴. بحث و بررسی

۱.۴. معنای لغوی ایمان و کفر

«ایمان»^۹ به معنای امنیت و از بین رفتن ترس است (اصفهانی، ۲۰۱۰: ۴۲). راغب می‌گوید: «ایمان نام حالتی است که انسان را در امنیت قرار می‌دهد» (همان: ۴۲). ایمان با اعتقاد قلبی به ضروریات دین و اقرار زبانی کلمه توحید و انجام اعمال بدنی به دست می‌آید (همان: ۴۳).

«کفر»^{۱۰} به معنای «پوشاندن یک چیز» است. شب را به دلیل این‌که اشخاص و اشیاء را می‌پوشاند کافر می‌گویند (همان: ۵۹۷). پوشاندن یک نعمت به معنای انکار آن است؛ بنابراین به کسی که وحدانیت و یگانگی خداوند، یا نبوت، یا دین و یا هر سه مورد را انکار کند؛ کافر می‌گویند (همان). واژه کفر در تقابل با ایمان و شکرگزاری قرار دارد. کافر کسی است که نعمت‌های خداوند را انکار می‌کند و آن را در قلب خود می‌پوشاند (ابن منظور، ۱۳۶۳، ج ۵: ۱۴۴). کفر در اصطلاح فقها بر مسائلی از قبیل انکار یا شریک قرار دادن با خداوند، انکار رسالت پیامبران، حلال شمردن محرمات الهی و انکار ضروریات دین اطلاق می‌شود (اوقاف، ۲۰۱۱، ج ۳۵: ۱۴). برای کفر احکام و مراتب تفصیلی در کتب فقه و اصول ذکر شده است که از موضوع این مقاله خارج است؛ اما نکته مهم این است که قرآن کریم چگونه این مفاهیم انتزاعی را بیان می‌کند تا مردم به درک روشنی از آن برسند؟ معناشناسی شناختی به ما

می‌گوید که قرآن کریم مفاهیم انتزاعی و کمتر شناخته شده را به شیوه مفهوم سازی که همان استعاره مفهومی نام دارد بیان می‌کند. در این شیوه مفهوم ایمان و کفر با مفاهیم متعدد عینی و ملموسی (مطابق با جدول ۱-۳) مفهوم سازی می‌شوند که باعث می‌شود درک روشنی از آنها ارائه گردد.

جدول ۱-۰: استعاره‌های مفهومی «ایمان» و «کفر» در قرآن کریم

استعاره‌های مفهومی ایمان	استعاره‌های مفهومی کفر
ایمان روی آوردن به شیء مفید است	کفر رویگردانی از شیء مفید است
ایمان سفر است	کفر آلودگی است
ایمان نور است	کفر عدم کارایی حواس است
ایمان پاکیزگی است	کفر جنگ است
ایمان تجارت است	کفر حصار کشیدن بر قلب و گوش است
ایمان مسابقه است	کفر تاریکی است
ایمان شیء دارای حجم است	کفر سفر است
ایمان شیء دارای حرکت است	کفر نیروی بازدارنده است
ایمان در جهت راست و مقابل است	

۲.۴. استعاره‌های کفر و ایمان در قرآن کریم

۱.۲.۴. ایمان به مثابه روی آوردن به شیء مفید و کفر به مثابه روی گردانی از شیء مفید

با بررسی آیات مبارکه در شش جزء آخر قرآن کریم ما شاهد نوعی از استعاره مفهومی ساختاری هستیم که در آن «ایمان» به عنوان حوزه مقصد به منزله روی آوردن به یک شیء مفید (حوزه مبدأ) و «کفر» به منزله روی گردانی از آن مفهوم سازی شده است. ما در زندگی روزمره خود همواره با پدیده روی آوردن و روی گردانی از یک شیء مواجه هستیم. گاهی به یک شیء روی می‌آوریم و به آن توجه می‌کنیم و آن را می‌پذیریم و گاهی از آن دوری می‌کنیم و به خوبی از مزایای پذیرفتن و یا از پیامدهای نپذیرفتن آن آگاه هستیم؛ از این رو قرآن کریم از این آگاهی و شناخت ما نسبت به این مساله به خوبی استفاده کرده است و مفاهیم ایمان و کفر را برای ما مفهوم سازی نموده است. قرآن کریم در آیات ﴿اسْتَجِيبُوا لِرَبِّكُمْ﴾ (شوری/۴۷)؛ ﴿وَ الَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِرَبِّهِمْ﴾ (شوری/۳۸) روی آوردن و پذیرفتن دستورات خداوند را به عنوان ایمان معرفی می‌کند که لازم است انسان آن را بپذیرد تا به رستگاری برسد و در صورت توجه نکردن به آن دچار خسران و زیان می‌شود.

در آیات ﴿وَ الَّذِينَ كَفَرُوا عَمَّا أَنْذَرُوا مُعْرِضُونَ﴾ (احقاف/۳)؛ ﴿وَ إِنْ تَوَلَّوْا يَسْتَبِدِلْ قَوْمًا غَيْرَكُمْ﴾ (محمد/۳۸)؛ ﴿وَ مَنْ يَتَوَلَّ يَعْذِبْهُ عَذَابًا أَلِيمًا﴾ (فتح/۱۷)؛ ﴿فَتَوَلَّىٰ بَرْكِيهَ﴾ (ذاریات/۳۹)؛ ﴿فَكَفَرُوا وَ تَوَلَّوْا﴾ (تغابن/۶)؛ ﴿إِلَّا مَنْ تَوَلَّىٰ وَ كَفَرَ﴾ (غاشیه/۲۳)؛ ﴿فَأَعْرَضَ عَنِ مَنْ تَوَلَّىٰ عَنِ ذِكْرِنَا﴾ (نجم/۲۹)؛ ﴿فَعَتَوْنَا عَنْ أَمْرِ رَبِّهِمْ﴾ (ذاریات/۴۴)؛ ﴿وَ قَدْ كَفَرُوا بِمَا جَاءَكُمْ مِنَ الْحَقِّ﴾ (ممتحنه/۱)؛ ﴿إِنَّا بِمَا أُرْسِلْتُمْ بِهِ كَافِرُونَ﴾ (زخرف/۲۴)؛ ﴿وَ إِنَّا بِهِ كَافِرُونَ﴾ (زخرف/۳۰)؛ ﴿كَانُوا يَجْحَدُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ﴾ (احقاف/۲۶)؛ ﴿وَ الَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِ رَبِّهِمْ﴾ (جاثیه/۱۱)؛ ﴿فَلَمْ يَزِدْهُمْ دُعَاءِي إِلَّا فِرَارًا﴾ (نوح/۶) روی گردانی و عدم پذیرش دعوت پیامبران و انکار آیات الهی به عنوان کفر معرفی می‌شود. انسان در زندگی خویش نیاز دارد تا اشیاء مفید را انتخاب کند و از چیزهای

بد دوری کند و با پذیرش شیء مفید به آرامش می‌رسد و از نپذیرفتن آن دچار ضرر و زیان می‌شود؛ از این رو ایمان به منزله شیء مفیدی است که انسان برای رستگاری خویش به آن نیاز دارد و باید آن را بپذیرد و از کفر دوری کند. حوزه مبدأ «روی گردانی» بیشترین مفهوم عینی است که باعث مفهوم‌سازی «کفر» شده است. در بسیاری از آیات قرآن کریم از کفر به عنوان رویگردانی یاد شده است.

تمامی منافع پذیرش یک شیء مفید از قبیل نیاز انسان به آن، تحول در زندگی به وسیله آن و احساس آرامش با به دست آوردن آن و همچنین تمامی عواقب عدم پذیرش یک شیء مفید از قبیل محروم ماندن از آن، شکست و احساس ترس و ناامیدی به وسیله آن را می‌توان به عنوان نگاشت میان مفاهیم «ایمان و کفر» و «روی گردانی از شیء مفید» ذکر نمود.

با رجوع به آرای مفسرین می‌توان دریافت که آن‌ها نیز ایمان را به معنای روی آوردن و پذیرفتن دستورات الهی و کفر را به معنای روی گردانی و نپذیرفتن دستورات الهی تفسیر می‌کنند؛ اما به مفهوم‌سازی این مفاهیم و ارتباط میان‌شان هیچ اشاره‌ای نمی‌کنند (ر.ک. قرطبی، ۱۳۶۴، ج ۱۶، ص ۴۷؛ زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۴: ۲۲۸؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۹: ۶۹؛ طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۹: ۲۲۷؛ آلوسی، ۱۴۱۵، ج ۱۳: ۱۴۲).

در این آیات ما شاهد کلان‌استعاره «کفر روی گردانی است» هستیم که خرده استعاره‌هایی را طبق جدول زیر (جدول ۲-۳) در خود جای داده است.

جدول ۲-۳: کلان استعاره «کفر روی گردانی است» و خرده استعاره‌های مربوط به آن

خرده استعاره‌ها	کلان استعاره
روی گردانی از دستورات خداوند کفر است	کفر روی گردانی است
روی گردانی از دستورات پیامبر کفر است	
روی گردانی از قرآن کفر است	
روی گردانی از حق کفر است	
روی گردانی از ایمان کفر است	

روی گردانی از شیء مفید و توجه نکردن به آن برای انسان عواقبی از قبیل عذاب الهی و دوری از خداوند دارد که طبق بیان قرآن کریم لازم است از آن پرهیز گردد.

۲.۲.۴. ایمان و کفر به مثابه سفر

در آیات ﴿وَ اتَّبِعُونِ هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ﴾ (زخرف/۶۱)؛ ﴿فَقَدْ ضَلَّ سَوَاءَ السَّبِيلِ﴾ (ممتحنه/۱)؛ ﴿هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ﴾ (نجم/۳۰)، ایمان و کفر به منزله سفر معرفی شده‌اند. سفر از مفاهیم شناخته شده برای انسان است. قرآن کریم نیز از همین شناخت بهره برده است و دو مفهوم انتزاعی «کفر» و «ایمان» را با استفاده از آن بیان نموده است و با تحمیل ساختار «سفر» به عنوان حوزه مبدأ بر ایمان و کفر، استعاره مفهومی ساختاری را پدید آورده است.

در سفر معمولاً انسان با دو نوع مسیر درست و نادرست مواجه است. مسیر درست دارای ویژگی‌هایی از قبیل هموار بودن مسیر، سهولت، امنیت و سلامتی است که می‌توان این ویژگی‌ها را به عنوان نگاشت و رابطه‌ی ملموس میان این مفهوم و مفهوم «ایمان» با اعتقاد بر این‌که ایمان نیز همین ویژگی‌ها را دارد، ذکر کرد. همچنین مسیر

نادرست انسان را از هدف و مقصد سفر دور می‌کند و سبب سختی و اذیتی وی خواهد شد، از نگاه قرآن کریم کفر نیز انسان را از نزدیکی به خداوند و رسیدن به مقصد مطلوب بازمی‌دارد و باعث عذاب و سختی در دنیا و آخرت خواهد شد.

نگاشت میان این دو حوزه مفهومی را می‌توان مطابق با جدول زیر (جدول ۳-۳) ترسیم نمود:

جدول ۳-۳: نگاشت میان دو حوزه مفهومی «سفر» و «ایمان و کفر»

حوزه مبدأ: سفر	نگاشت‌ها	حوزه مقصد: ایمان / کفر
مقصد سفر		خداوند
حرکت در مسیر درست		پیروی از دستورات خداوند و پیامبر
حرکت در مسیر نادرست		عدم پیروی از دستورات خداوند و پیامبر
راهنمای سفر		قرآن کریم و احادیث
زاد و توشه سفر		عمل بر دستورات شریعت
مسافر		انسان مؤمن و انسان کافر
رسیدن به مقصد		مؤمن
نرسیدن به مقصد		کافر
نتیجه رسیدن به مقصد		بهره‌مندی از نعمت‌های خداوند
نتیجه نرسیدن به مقصد		گرفتارشدن به عذاب الهی

۳.۲.۴. ایمان به‌مثابه پاکیزگی و کفر به‌مثابه آلودگی

آیات زیر ساختار «پاکیزگی» (حوزه مبدأ) را بر ایمان (حوزه مقصد) و ساختار «آلودگی» را بر کفر منطبق ساخته و باعث ایجاد استعاره مفهومی ساختاری شده‌اند. ﴿وَمَا عَلَيْكَ أَلَّا يَزَكِّيَ﴾ (عبس/۷)؛ ﴿هَلْ لَكَ إِلَىٰ أَنْ تَزَكَّى﴾ (نازعات/۱۸)؛ ﴿قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا وَقَدْ خَابَ مَنْ دَسَّاهَا﴾ (شمس/۱۰-۹)؛ ﴿قَدْ أَفْلَحَ مَنْ تَزَكَّى﴾ (اعلیٰ/۱۴)؛ ﴿وَيُزَكِّيهِمْ﴾ (جمعه/۲) ﴿لَا يَمَسُّهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ﴾ (واقع/۷۹).

با بررسی نگاشت میان این مفاهیم می‌توان به فلسفه این نوع مفهوم‌سازی پی برد. انسان همواره در تلاش است تا از آلودگی‌ها دوری کند و پاکیزگی را به دست آورد. قرآن کریم از این تلاش انسان بهره برده است و ایمان را به منزله پاکیزگی می‌داند که انسان باید آن را به دست آورد و خود را با آن آراسته سازد و کفر را آلودگی می‌داند که انسان باید از آن دوری کند. پاکیزگی موردستایش و آلودگی مورد نکوهش است. از نگاه قرآن کریم نیز ایمان موردستایش و کفر مورد عذاب و نکوهش خواهد بود.

مفسران نیز تزکیه را به معنای پاک شدن از شرک به‌وسیله ایمان معنا می‌کنند (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱۰: ۶۵۵).

۴.۲.۴. ایمان به‌مثابه نور و کفر به‌مثابه تاریکی

انسان همواره با مفاهیم «نور» و «تاریکی» (حوزه مبدأ) در ارتباط است و آن‌ها را به‌خوبی می‌شناسد. قرآن کریم با

انطباق ساختار نور و تاریکی بر مفهوم «ایمان» و «کفر» (حوزه مقصد) آن‌ها را برای مردم تبیین نموده است و استعاره مفهومی ساختاری را به وجود آورده است.

آیاتی که در شش جزء آخر قرآن کریم این نوع مفهوم‌سازی را برعهده دارند عبارتند از: ﴿لِيُخْرِجَكُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ﴾ (حدید/۹)؛ ﴿لِيُخْرِجَ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ﴾ (طلاق/۱۱)؛ ﴿وَلَكِنْ جَعَلْنَاهُ نُورًا﴾ (شوری/۵۲)؛ ﴿يَسْمَعُ نُورُهُمْ بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَبِأَيْمَانِهِمْ﴾ (حدید/۱۲)؛ ﴿لَهُمْ أَجْرُهُمْ وَنُورُهُمْ﴾ (حدید/۱۹)؛ ﴿نُورُهُمْ يَسْمَعُ بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَبِأَيْمَانِهِمْ﴾ (تحریم/۸).

برای بررسی نگاشت میان این مفاهیم باید ویژگی‌های نور و تاریکی را مدنظر قرار داده و از آن برای تشریح مفهوم کفر و ایمان استفاده کرد. «نور» دارای ویژگی‌های اساسی همچون درخشندگی، واضح بودن و کمک کردن به انسان در تشخیص مسیر است و مهم‌تر از آن نور نماد زیبایی است. از نگاه قرآن کریم ایمان نماد زیبایی انسان و عامل نورانی بودن قلب و زندگی‌اش است. همچنین ایمان باعث روشنایی مسیر زندگی دنیا و آخرت انسان خواهد بود که در پرتوی آن به آسانی می‌تواند مسیر درست را از مسیر نادرست تشخیص دهد و به منزل مقصود راه یابد. در مقابل نیز، تاریکی نماد ترس و زشتی است و باعث سرگردانی انسان و عدم دستیابی به مقصد خواهد بود. کفر نیز همین حالت‌ها را دارد و باعث می‌شود انسان به مقصد نرسد و دچار سختی و عذاب گردد.

مفسران قرآن نیز بدون اشاره به بحث مفهوم‌سازی این دو واژه به این معنای نور و تاریکی اشاره کرده‌اند (ر.ک: طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۹: ۳۵۰ و ج ۱۰: ۴۶۶؛ قرطبی، ۱۳۶۴، ج ۱۷: ۲۳۹).

در این بخش نیز ما شاهد کلان‌استعاره «ایمان نور است» هستیم که خرده‌استعاره‌هایی را طبق جدول زیر (جدول ۳-۴) در خود جای داده است.

جدول ۴-۰: کلان‌استعاره «ایمان نور است» و خرده‌استعاره‌های مربوط به آن

خرده‌استعاره‌ها		کلان‌استعاره
پیامبر نور است	خداوند نور است	نور معنوی نور مادی است
هدایت نور است	قرآن نور است	
ایمان نور است	دین نور است	
احکام الهی نور است	عمل صالح نور است	

۵.۲.۴. کفر به مثابه عدم کارایی حواس

در آیات: ﴿يَسْمَعُ آيَاتِ اللَّهِ تَتْلَىٰ عَلَيْهِ ثُمَّ يُصِرُّ مُسْتَكْبِرًا كَأَن لَّمْ يَسْمَعْهَا﴾ (جاثیه/۸)؛ ﴿فَأَصَمَّهُمْ وَأَعَمَّى أَبْصَارَهُمْ﴾ (محمد/۲۳)؛ ﴿أَفَأَنْتَ تُسْمِعُ الصُّمَّ أَوْ تَهْدِي الْعُمْيَ﴾ (زخرف/۴۰) مفهوم انتزاعی «کفر» توسط مفاهیم عینی و شناخته شده‌ای همانند «کر و کور بودن» (حوزه مبدأ) مفهوم‌سازی شده است.

انسان ناشنوا نمی‌تواند بشنود، همچنین انسان نابینا نمی‌تواند ببیند. اثبات همین ویژگی برای انسان کافر به‌عنوان نگاشت میان این مفاهیم محسوب می‌شود. به تعبیر قرآن کریم کافر به‌منزله کر و کوری است که نه می‌بیند و نه می‌شنود؛ زیرا از شنیدن و فهمیدن حق امتناع می‌ورزد. همان‌گونه که اشیاء وجود دارند ولی انسان نابینا آن‌ها را نمی‌بیند، حق نیز وجود دارد؛ اما انسان کافر نمی‌تواند آن را ببیند و بپذیرد.

۶.۲.۴. کفر به مثابه جنگ

در آیات؛ ﴿لَا تَتَّخِذُوا عَدُوِّي وَعَدُوَّكُمْ أَوْلِيَاءَ﴾ (ممتحنه/۱)؛ ﴿إِنَّ الَّذِينَ يُحَادُّونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ﴾ (مجادله/۲۰) از «کفر» (حوزه مقصد) به عنوان جنگ و دعوا (حوزه مبدأ) یاد شده است و کافر به عنوان دشمن خداوند، دشمن پیامبران و دشمن اولیای خداوند معرفی شده است.

جنگ از مفاهیم آشنا و ملموس برای انسان است و از آن در مفهوم سازی «کفر» استفاده شده است. انسان در جنگ با دشمنی مواجه می شود که به دنبال ضربه زدن به آن است. دشمن بودن و دشمنی کردن از صفات منفی است که همه از آن گریزان هستند؛ از این رو قرآن کریم با این نوع مفهوم سازی به دنبال آن است تا انسان را از خطر کفر و صفت منفی بودن آن آگاه کند و انسان را به پرهیز از آن تشویق نماید.

نگاشت میان این دو حوزه مفهومی را می توان مطابق با جدول زیر (جدول ۳-۵) ترسیم نمود.

جدول ۵-۰: نگاشت میان دو حوزه مفهومی «جنگ» و «کفر»

حوزه مبدأ: جنگ و دعوا	نگاشت‌ها	حوزه مقصد: کفر
میدان جنگ		دنیا
دشمن		کافر
طرف مقابل در جنگ		خداوند، پیامبر و اولیای الهی
ابزار جنگ کافر		شبهات و استدلال‌های نادرست کافران
پایان جنگ		پایان یافتن زندگی کافر
نتیجه جنگ		شکست و عذاب الهی برای کافر

۷.۲.۴. کفر به مثابه حصار کشیدن بر قلب و گوش

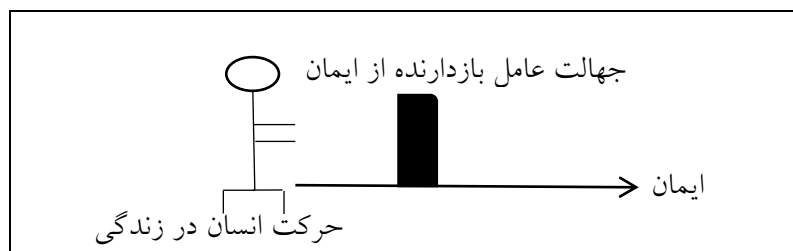
در آیات؛ ﴿فَطَبِعَ عَلَى قُلُوبِهِمْ﴾ (منافقون/۳)؛ ﴿طَبَعَ اللَّهُ عَلَى قُلُوبِهِمْ﴾ (محمد/۱۶)؛ ﴿وَخَتَمَ عَلَى سَمْعِهِ وَقَلْبِهِ﴾ (جاثیه/۲۳) از کفر (حوزه مقصد) به عنوان حصار و پرده کشیدن بر قلب و گوش (حوزه مبدأ) یاد شده است.

مهر زدن بر قلب و گوش بدین معناست که کافران حق را نمی شنوند و نمی فهمند (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۸: ۱۷۳). «مهر زدن» نشانه پایان کار است که چیز دیگری بر آن افزوده نخواهد شد. کفر نیز به منزله مهر زدن بر قلب و گوش است به این معنا که چیز دیگری همانند ایمان بر آن افزوده نمی شود. گویا بر قلب و گوش انسان مهر زده می شود و ایمان نمی تواند در آن داخل شود. پس این نوعی هشدار است مبنی بر این که انسان هر چه زودتر باید از کفر روی برگرداند تا در این مرحله قرار نگیرد.

۸.۲.۴. کفر به مثابه نیروی بازدارنده

در آیات؛ ﴿أَرَأَيْتُمْ قَوْمًا تَجْهَلُونَ﴾ (احقاف/۲۳)؛ ﴿لَقَدْ كُنْتَ فِي غَفْلَةٍ مِّنْ هَذَا﴾ (ق/۲۲)؛ ﴿وَ مَا لَهُمْ بِذَلِكَ مِنْ عِلْمٍ﴾ (جاثیه/۲۴)؛ ﴿هُمْ فِي غَمْرَةٍ سَاهُونَ﴾ (ذاریات/۱۱)؛ ﴿وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ﴾ (جاثیه/۱۸) از کفر به عنوان یک نیروی بازدارنده و مانع انسان از رسیدن به حقیقت و ایمان یاد شده است. در نتیجه به خاطر وجود این مانع از کافر به عنوان جاهل و

غافل یادشده است که در جهل و غفلت قرار دارد. کافران با انکار دعوت خداوند و استهزاء آیات خداوند نمی‌دانند چه ضررهایی متوجهشان است؛ بنابراین جاهل هستند (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۸: ۲۱۱). کفر همانند نیروی بازدارنده‌ای مانع رسیدن انسان به حقیقت می‌شود و باعث می‌شود تا او در نادانی و غفلت به سر برد. قرآن کریم همین ویژگی را به‌عنوان نگاشت با مفهوم کفر موردتوجه قرار داده است و کفر را همانند نادانی و غفلت مورد نکوهش قرار داده است که لازم انسان از آن پرهیز کند. این نوع مفهوم‌سازی باعث ایجاد استعاره مفهومی ساختاری گردیده است که در آن ساختار نادانی و غفلت به‌عنوان عامل بازدارنده از ایمان بر مفهوم کفر سایه افکنده است.



شکل ۱-۰: کفر به‌عنوان نیروی بازدارنده از ایمان

۹.۲.۴. ایمان به‌مثابه تجارت

در آیه ﴿هَلْ أَدُلُّكُمْ عَلَىٰ تِجَارَةٍ تُنْجِيكُمْ﴾ (صف/۱۰)؛ از ایمان (حوزه مقصد) به عنوان تجارت (حوزه مبدأ) یادشده است. منظور از تجارت در این آیه، ایمان و جهاد است که نتیجه آن نجات از عذاب الهی است (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۹: ۲۵۸؛ فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۲۹: ۵۳۱).

در تجارت ما با دو نوع نتیجه‌ی سود یا ضرر روبه‌رو هستیم. قرآن کریم نتیجه سودآوری تجارت را مدنظر خویش قرار داده است و از آن برای نگاشت میان تجارت و ایمان استفاده کرده است؛ زیرا بر ویژگی ناجی بودن ایمان در قیامت تأکید دارد. از منظر آیات قرآن، ایمان همان تجارت سودآوری است که همواره منفعت به بار می‌آورد و هیچ‌گاه دچار خسران و زیان نمی‌گردد. به‌طور طبیعی این نوع تجارت همواره مورد تلاش و آرزوی انسان است؛ از این رو این نوع مفهوم‌سازی اشتیاق انسان به ایمان را به دنبال خواهد داشت.

۱۰.۲.۴. ایمان به‌مثابه مسابقه

در آیه ﴿لَوْ كَانَ خَيْرًا مَّا سَبَقُونَا إِلَيْهِ﴾ (احقاف/۱۱)؛ ایمان (حوزه مقصد) به عنوان مسابقه (حوزه مبدأ) در نظر گرفته شده است. مسابقه یک مفهوم عینی است که باعث مفهوم‌سازی ایمان شده است. برای بررسی نگاشت میان این دو مفهوم لازم است تا به جنبه‌هایی از ویژگی‌های مسابقه که مدنظر قرآن کریم است، مطابق با جدول ۳-۶ پردازیم.

جدول ۶-۰: نگاشت میان دو حوزه مفهومی «مسابقه» و «ایمان»

حوزه مبدأ: مسابقه	نگاشت	حوزه مقصد: ایمان
میدان مسابقه		زندگی دنیا
افرادی که مسابقه می‌دهند		انسان‌هایی که در دنیا زندگی می‌کنند

برگزارکننده مسابقه	خداوند ایمان انسان‌ها را بررسی می‌کند
پایان مسابقه	پایان زندگی دنیا
تلاش برای موفقیت در مسابقه	تلاش و مبارزه با نفس و شیطان در زندگی
پیروزی در مسابقه	به دست آوردن ایمان
قدردانی از شخص برنده در مسابقه	دریافت پاداش برای مؤمنان در دنیا و آخرت

۱۱.۲.۴. ایمان به مثابه شیء دارای حجم و قابل اندازه‌گیری

در آیات ﴿لِيُزَادُوا إِيمَانًا مَعَ إِيمَانِهِمْ﴾ (فتح/۴)؛ ﴿وَيُزَادَ الَّذِينَ آمَنُوا إِيمَانًا﴾ (مدثر/۳۱) از ایمان به عنوان شیء دارای حجم یاد شده است که قابل زیاد و کم شدن است. این نوع استعاره که در آن یک مفهوم را به عنوان یک شیء در نظر می‌گیرند و ویژگی آن را برایش ذکر می‌کنند، استعاره هستی‌شناختی نام دارد.

۱۲.۲.۴. ایمان به مثابه شیء دارای حرکت

در آیات ﴿وَلَمَّا يَدْخُلِ الْإِيمَانُ فِي قُلُوبِكُمْ﴾ (حجرات/۱۴) ﴿يَسْعَى نُورُهُمْ بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَبِأَيْمَانِهِمْ﴾ (حدید/۱۲) و ﴿نُورُهُمْ يَسْعَى بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَبِأَيْمَانِهِمْ﴾ (تحریم/۸) نیز ایمان به منزله‌ی شیء‌ای در حال حرکت معرفی شده است که به سمت دل‌های مومنین در حرکت است و باعث ایجاد استعاره هستی‌شناختی گردیده است. در این آیه مبدأ حرکت ایمان در سمت راست و مقابل انسان مؤمن جهت حفاظت و حمایت از او است. در نتیجه ایمان در دل‌های مؤمنین جای می‌گیرد و سبب سعادت و رستگاری مؤمنان می‌شود؛ اما ایمان به دل‌های کافران به سبب وجود موانعی همچون جهالت و لجاجت وارد نمی‌شود.

۱۳.۲.۴. ایمان در جهت راست و مقابل قرار دارد

در آیات ﴿يَسْعَى نُورُهُمْ بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَبِأَيْمَانِهِمْ﴾ (حدید/۱۲) و ﴿نُورُهُمْ يَسْعَى بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَبِأَيْمَانِهِمْ﴾ (تحریم/۸) جهت فیزیکی راست و مقابل برای ایمان ذکر شده است و باعث ایجاد استعاره جهت‌ی گردیده است که در آن برای مفهوم انتزاعی جهت فیزیکی خاصی ذکر می‌شود. انسان در زندگی خود همواره با جهت‌های اصلی در ارتباط است و از این جهت‌ها در تعبیر مفاهیم انتزاعی استفاده می‌کند. از این رو برای مفهوم ارزشی معمولاً جهت‌های بالا و راست و یا مقابل را به کار می‌برد. قرآن کریم نیز برای ایمان دو جهت راست و مقابل را به کار می‌برد تا از آن به عنوان یک عامل ارزشی یاد کند که از انسان در برابر عذاب الهی حفاظت می‌کند.

نتیجه

با بررسی در شش جزء آخر قرآن کریم به این نتیجه می‌رسیم که استعاره مفهومی فراتر از تصور ما در قرآن کریم به‌کار رفته است و آیات زیادی از قرآن کریم حاوی استعاره مفهومی هستند. مفهوم «ایمان» و «کفر» از مفاهیم انتزاعی هستند که توسط مفاهیم عینی و ملموس مختلفی مفهوم‌سازی شده‌اند. بیشترین حوزه‌های مفهومی مبدایی که مفهوم ایمان از طریق نگاشت آن‌ها مفهوم‌سازی شده است عبارت‌اند از نور، پاکیزگی، تجارت، مسابقه و سفر؛ اما مفاهیم شناخته‌شده‌ای که مفهوم کفر را مفهوم‌سازی می‌نمایند عبارت‌اند از: تاریکی، آلودگی، روی‌گردانی، جنگ

و عدم کارایی حواس. با بررسی همه این استعاره‌های مفهومی می‌توان به این نتیجه رسید که قرآن کریم با ظرافت و زیبایی خاصی مفهوم ایمان و کفر را مفهوم‌سازی نموده است و از مفاهیم عینی و ملموسی برای بیان آن استفاده کرده است تا مردم در شناخت آن دچار اشکال نگردند و این مسئله برای آن‌ها واضح باشد؛ از این رو می‌توان به نقش معناشناسی شناختی در تبیین آیات قرآن کریم پی برد.

پی‌نوشت‌ها

1. Conceptual metaphor
2. Cognitive semantics
3. George Lakoff
4. Mark Johnson
5. Mapping
6. Structural Metaphors
7. Ontological Metaphors
8. Orientationl Metaphors
9. Faith
10. Disbelief

کتابنامه

قرآن کریم.

۱. ابن اثیر، ضیاء الدین. (۱۹۷۳). المثل السائر فی ادب الکاتب و الشاعر. قاهره: النهضه.
۲. ابن منظور، محمد بن مکرم. (۱۳۶۳). لسان العرب. قم: نشر ادب حوزه.
۳. ارسطو. (۱۳۴۳). فن شعر. ترجمه‌ی عبدالحسین زرین کوب. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
۴. اصفهانی، راغب. (۲۰۱۰). مفردات الفاظ القرآن. بیروت: الامیره.
۵. افراشی، آزیتا. (۱۳۹۵). مبانی معناشناسی شناختی. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
۶. افراشی، آزیتا. (۱۳۹۷). استعاره‌های قرآن کریم و معناشناسی شناختی. (معناشناسی و مطالعات قرآنی)، به کوشش فروغ پارسا. تهران: نگارستان اندیشه.
۷. آلوسی، محمود بن عبدالله. (۱۴۱۵). روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم. بیروت: دارالکتب العلمیه.
۸. اوقاف، کبارعلماء. (۲۰۱۱). الموسوعه الفقهيّه. پاکستان: مکتبه علوم اسلامیه.
۹. خودروان، حسن. (۱۳۸۰). بررسی معناشناختی واژه کفر در قرآن کریم. پایان نامه کارشناسی ارشد. تهران: دانشگاه امام صادق.
۱۰. داوری، رضا و دیگران. (۱۳۹۳). زبان استعاری و استعاره‌های مفهومی. تهران: هرمس.
۱۱. راسخ مهند، محمد. (۱۳۹۳). درآمدی بر زبان شناسی شناختی. تهران: سمت.
۱۲. زمخشری، محمود. (۱۴۰۷). الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الاقوال فی وجوه التاویل. بیروت: دارالکتاب العربی.
۱۳. زناد، ازهر. (۲۰۰۹). نظریات لسانیة عرفیة. تونس: دار محمد علی للنشر.
۱۴. شریف رضی، محمد بن حسین. (۱۴۰۶). تلخیص البیان فی مجازات القرآن. بیروت: دارالاضواء.

۱۵. صفی پور، عبدالرحیم. (لاتا). *منتهی الارب فی لغة العرب*. ایران: کتابخانه سنایی.
۱۶. طباطبایی، سیدمحمد حسین. (۱۳۹۰). *المیزان فی تفسیر القرآن*. بیروت: موسسه الاعلمی للمطبوعات.
۱۷. طبرسی، فضل بن حسن. (۱۳۷۲). *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*. تهران: انتشارات ناصرخسرو.
۱۸. فائزی، توفیق. (۲۰۱۶). *الاستعارة و النص الفلسفي*. بیروت: دارالکتب الجدیة المتحدة.
۱۹. فخر رازی، محمد بن عمر. (۱۴۲۰). *التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب)*. بیروت: داراحیاء التراث العربی.
۲۰. قاسم زاده، حبیب الله. (۱۳۷۹). *استعاره و شناخت*. تهران: فرهنگان.
۲۱. قائمی نیا، علیرضا. (۱۳۹۰). *معناشناسی شناختی قرآن*. تهران: انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۲۲. قرطبی، محمد بن احمد. (۱۳۶۴). *الجامع لاحکام القرآن*. تهران: ناصرخسرو.
۲۳. کوچش، زلتان. (۱۳۹۸). *مقدمه‌ای کاربردی بر استعاره*. ترجمه: ابراهیم، ش. تهران: انتشارات سمت.
۲۴. لحویدی، عبدالعزیز. (۲۰۱۵). *نظریات الاستعارة فی البلاغة العربية*. عمان: دارالکنوز المعرفة.
۲۵. لیکاف، جورج، جانسون، مارک. (۲۰۰۹). *الاستعارات التي نحيا بها*. ترجمه: عبدالمجید ج. المغرب: دارتوبقال للنشر.
۲۶. نویدی باغی، سکینه. (۱۳۹۸). *تحلیل مفهومی واژه نور در قرآن کریم؛ رویکرد معناشناسی شناختی*. رساله دکتری. مشهد: دانشگاه فردوسی.
۲۷. یوسفی‌راد، فاطمه. (۱۳۸۲). *بررسی استعاره زمان در زبان فارسی؛ رویکرد معنی‌شناسی شناختی*. پایان نامه کارشناسی ارشد. تهران: دانشگاه تربیت مدرس.
۲۸. حاجی رجبی، نفیسه. حسن عبداللهی. علی نوروزی. (۱۳۹۹) «طرحواره‌های تصویری قدرتی و جهتی در حبسیه‌های محمد جواد جزیری» *مجله زبان و ادبیات عربی*. دوره دوازدهم، شماره ۱، صص ۳۲-۱۷.
- doi:10.22067/jall.2021.79335
۲۹. صباحی، حمید. احمدرضا حیدریان شهری. عبدالرضا. (۱۳۹۵) «بررسی استعاره مفهومی در سوره بقره (رویکرد زبان‌شناسی شناختی)» *نشریه ادب و زبان دانشگاه شهید باهنر کرمان*، دوره نوزدهم، شماره ۳۹، صص ۱۰۷-۸۵.
- doi:10.22103/jll.2016.1455
۳۰. فتحی ایرانشاهی، طیبه. میرزایی، سیدمحمود. شیرین‌پور ابراهیم (۱۴۰۰). «مفهوم‌سازی احساسات براساس طرحواره‌های تصویری در رمان (مسری الغرائق فی مدن العقیق)» *مجله زبان و ادبیات عربی*، دوره سیزدهم، شماره ۴، صص ۱۰۲-۸۴.
- doi:10.22067/jallv13.i2.2103-1033
۳۱. کریمی، مریم. غلامرضا سالمیان، فاطمه کلاهیچیان (۱۴۰۰). «کارکرد استعاره‌های شناختی مفهوم «دل» در دیدگاه سنایی». *مجله جستارهای زبانی*، دوره دوازدهم، شماره ۴، صص ۱۶۳-۱۳۵.
- Doi:10.29252 /LRR.12.4.5
۳۲. یگانه، فاطمه. افراشی، آریتا. (۱۳۹۵). «استعاره‌های جهتی در قرآن با رویکرد شناختی». *مجله جستارهای زبانی*. دوره هفتم. شماره ۵. صص ۲۱۶-۱۹۳.

33.Evans, V. (2007). *A glossary of cognitive linguistics*. Edinburgh: Edinburgh University Press.

34.Grady, J. E. (2007). "Metaphor", Edited by Dirk Geeraerts and Hubert Cuyckens. *The Oxford Handbook of Cognitive Linguistics*. The Oxford: Oxford University Press.

35. Lakoff, G. (1993). *The contemporary theory of Metaphor*, In Geeraerts, Dirk (Ed). (2006) *Cognitive Linguistics: basic readings* (Cognitive Linguistics research, 34). Mouton de Gruyter Berlin, New York.
36. Lakoff, G. and Johnson, M. (1980). "Metaphors we live by", Chicago: the University of Chicago Press.
37. Saeed, J. (2016). *Semantics*, (4th edition) Chichester, West Sussex, UK: Wiley-Blackwell.
38. Kövecses, Z. (2002). "Metaphor: a practical introduction", Oxford: University Oxford Press.

References

the Holy Qur'an

- Afarashi, A. (2015). *Basics of cognitive semantics*. Tehran: Research Institute of Human Sciences and Cultural Studies. [In Persian]
- Afrashi, A. (1397). *Holy Quran metaphors and cognitive semantics*. (Semantics and Quranic Studies), Tehran: Negarestan Andisheh. [In Persian]
- Alousi, M. (1994). *The Spirit of Meanings in the Interpretation of the Great Qur'an*. Beirut: Dar al-Kuotab al-Ilmiyah. [In Arabic]
- Aristotle. (1964). *The art of poetry*. Translated by Abdul Hossain Zarin Koob. Tehran: Book Translation and Publishing Company. [In Persian]
- Awqaf, K. (2011). *Al-Muosuaeh al-Fiqhiyyah*. Pakistan: School of Islamic Sciences. [In Arabic]
- Davari, R. & others. (2014). *Metaphorical language and conceptual metaphors*. Tehran: Hermes Publishing. [In Persian]
- Esfahani, R. (2010). *Vocabulary of the words of the Holy Qur'an*. Beirut: El Amira. [In Arabic]
- Faizi, T. (2016). *Metaphor and the philosophical text*. Beirut: The United New Book House. [In Arabic]
- Fakhr Razi, M. (1999). *The Great Interpretation (Keys to the Unseen)*. Beirut: Arab Heritage House. [In Arabic]
- Fathi Iranshahi, T. Mirzayi, S. pourebrahim, Sh. (2021). "Conceptualization of Emotions based on Image Schemas in the Novel The Cranes Nightly Travels in the Carnelian Towns" *Journal Of Arabic Language and Literature*, 13(4), 84-102. (Doi: 10.22067/jallv13.i2.2103-1033). [In Persian]
- Ghaemini, A. (2011). *Cognitive semantics of the Quran*. Tehran: Publications of the Islamic Culture and Thought Research Institute. [In Persian]
- Haji Rajabi, N. Abdullahi, H. Nowrozi, A. (2019) "Image force and orientation schemas in Mohammad Javad Jazaiery' prison. *Journal of Arabic Literature*. 12(1). 17-32. (Doi: 10.22067/jall.2021.79335) . [In Persian]
- Sabahi, H. Heidarian Shahri, A. Mohammadhossienzadeh, A. (2016). A Study of Conceptual Metaphor in Surah Baqarah. *Journal of Literature and Language of Shahid Bahonar University of Kerman*, 19(39). 107-85.

- (Doi: 10.22103/jll.2016.1455). [In Persian]
- Ibn Atheer, Z. (1973). *The proverb in the literature of the writer and poet*. Cairo: Al-Nahda. [In Arabic]
- Ibn Manzoor, M. (1984). *Lesan Al Arab (Arabic dictionary)*. Qom: Adab Hoza Publishing House. [In Arabic]
- Karimi, M. Salemian, Gh. Kolahchian, F (2021). "The function of cognitive metaphors of the concept of "heart" in Sana'i perspective". *Journal of Linguistic Studies*, 12(4). 163-135. (Doi:10.29252/LRR.12.4.5) [In Persian]
- Khodrovan, H. (2001). *A Semantic research on the term " Unbelief" in the Holy Qur'an*. master thesis. Tehran: Imam Sadegh University. [In Persian]
- Kövecses, Z. (2015). *Metaphor :a practical introduction*,. Translated by: Ibrahim, Sh. Tehran: Simt publications. [In Persian]
- Lahouideq, A. (2015). *Metaphor theories in Arabic rhetoric*. Amman: House of Knowledge. [In Arabic]
- Lakoff, G. and Johnson, M (2009). *The metaphors we live by*. Translated by: Abdul Majeed J. Morocco: Dartoubkal Publishing. [In Arabic]
- Navidi Baghi, Sakineh. (2018). *Conceptual analysis of the word light in the Holy Quran; Cognitive semantics approach*. Doctoral dissertation. Mashhad: Ferdowsi University. [In Persian]
- Qassemzadeh, H. (2000). *Metaphor and cognition*. Tehran: Farhangian.
- Qurtubi, M. (1985). *The whole of the provisions of the Qur'an*. Tehran: Nasir Khusraw. [In Persian]
- Rasekh M. (2014). *An introduction to cognitive linguistics*. Tehran: Side. [In Persian]
- Safipour, A. (N.D). *Ultimate Al-Arb in the Arabic language*. Iran: Kitabkhaneh Sanai. [In Persian]
- Sharif Radhi, M. (1985). *Summarizing the statement in the metaphors of the Qur'an*. Beirut: Dar Al-Adwaa. [In Arabic]
- Tabatabai, S. (2011). *The balance in the interpretation of the Qur'an*. Beirut: Al-Alame Institute for Publications. [In Arabic]
- Tabarsi, F. (1993). *Majma 'al-Bayan in Interpretation of the Qur'an*. Tehran: Nasir Khusraw Publications. [In Arabic]
- Yeganeh, F. Afrashi, A. (2016). Directional metaphors in the Qur'an with a cognitive approach". *Journal of language essays*. 7(5). 216-193. [In Persian]
- Yousfirad, F. (2003). *Investigating the metaphor of time in Persian language; Cognitive semantics approach*. master thesis. Tehran: Tarbiat Modares University. [In Persian]
- Zamakhshari, M. (1986). *The discovery of the facts of the download and the eyes of gossip in the faces of interpretation*. Beirut: Dar al-Kitab al-Arabi. [In Arabic]
- Zanned, A. (2009). *customary linguistic Theories*. Tunisia: Dar Mohamed Ali Lnnshar. [In Arabic]